

# نشر کتاب در هندوستان

نوشته لوکنات بتاجاریا

هندوستان که هر ساله در حدود ۲۰ هزار عنوان کتاب منتشر می‌کند هشتمین کشور بزرگ تولید کننده کتاب در جهان است. جو مساعدی برای تألیف دارد؛ نهادها و سیاستهای آن ریشه در دموکراسی دارند؛ صنعت چاپ آن به نحو فزاینده‌ای به وسایل جدید مجهز می‌شود، کاغذ محصول داخل موجود است؛ ویراستاران قابل دارد، شبکه توزیع آن عمل می‌کند و کتاب را به دست جامعه رو به افزایش خوانندگان می‌رساند و بدین‌سان کشوری است که در جمع کشورهای در حال رشد دارای وسیع‌ترین زیربنای انتشاراتی است. طبق تحقیقاتی که «شورای ملی پژوهشهای اقتصاد کاربردی» [هند] انجام داده در حدود ۳۰۰۰ ناشر فعال در هند وجود دارند که ۱۰۰ تایی آنها شرکتهای بزرگ طبع و نشر هستند که هر کدام دست کم ۵۰ عنوان کتاب در سال منتشر می‌کنند. طبع و نشر کتابهای درسی مقام اول را دارد. هر چند قسمت اعظم کار نشر در دست بخش خصوصی است، در حدود ۴۵۰ مؤسسه دولتی نیز در این زمینه فعالیت دارند. در حقیقت دولت مرکزی خودش بزرگترین مؤسسه طبع و نشر کشور محسوب می‌شود و تقریباً ۲۰ درصد کل محصول کتاب هند را تولید می‌کند.

مسائل و مشکلات تألیف و طبع و نشر کتاب در هندوستان را باید در مقابل زمینه‌ای از گوناگونی شدید قومی و زبانی کشور بررسی کرد. در قانون اساسی هند ۱۵ زبان اصلی ملی به رسمیت شناخته شده که به ترتیب حروف الفبا عبارتند از: آسامی، اردو، اوریسا، بنگالی، پنجابی، تله‌گو، تمیل، سانسکریت، سندی، کشمیری، گنآدا، گجراتی، مالی، کم، مراتی و هندی.

اینها زبانهای مستقل هستند، و گویش یا شکل تنوع یافته‌ای از زبان دیگری محسوب نمی‌شوند. بیشتر آنها دارای ادبیات وسیعی از آن خود هستند و به هر زبان میلیونها نفر سخن می‌گویند.

علاوه بر این، زبانهای دیگری هم هستند مثل دوگری، راجستانی، گنکنی، مای تیلی، مانپوری و نیالی که هر چند اهمیت زبانهای اصلی را ندارند اما تعداد زیادی از افراد کشور نیز به این زبانها صحبت می‌کنند. تقریباً ۴۰۰ زبان مادری عشیره‌ای نیز در هند وجود دارد که اکثر آنها فاقد ادبیات مکتوب هستند. مشکل خطوط گوناگون نیز تقریباً به همین اندازه پیچیده است. یازده خط اصلی علاوه بر خط فارسی - عربی و خط لاتینی در هند به کار برده می‌شود که عبارتند از: آسامی، اوریسا، بنگالی، تله‌گو، تمیل، گنآدا، گجراتی، گوروموکی، مانپوری و مالی‌لم.

و البته سنت روایات شفاهی را فراموش نکنیم: حضور شکوهمند کلام که هنوز هم به هیچ وجه نمی‌توان گفت که تحت الشعاع قرار گرفته است. کتابهای «گویا»، جدا از کتابهای مکتوب، هنوز هم در گوشه و کنارها فراوان دیده می‌شوند. نقالها و خوانندگان دوره گرد به قطارها سوار می‌شوند و یاد بازارهای مکاره روستایی مهر که می‌گیرند، و شنوندگان را مسحور روایت یا ترانه خود می‌کنند. تا همین امروزه روز بازارهای پُر رفت و آمد شهرهایی چون کلکته با فرارسیدن غروب آفتاب گویی تحولی جادویی پیدا می‌کنند، چون مردم کوی و برزن گروه گروه می‌آیند تا به بخش دیگری از حماسه راهایانه یا مهابهارته گوش فرا دهند.

ارقام زیر تصویری از فعالیت ادبی انجام گرفته در زبانهای اصلی هند و نیز تعداد آثار تألیف شده به زبان انگلیسی توسط نویسندگان هندی را به خوانندگان خواهد داد: در یکی از سالهای اخیر جمعاً ۲۱،۲۶۵ عنوان کتاب در هند منتشر شد: ۷۷ عنوان به آسامی، ۳۵۲ عنوان به اردو، ۱۰،۴۳۸ عنوان به انگلیسی، ۳۲۲ عنوان به اوریسا، ۱۳۰۲ عنوان به بنگالی، ۵۹۷ عنوان به پنجابی، ۹۱۰ عنوان به تمیل، ۸۱۷ عنوان به تله‌گو، ۱۷۷ عنوان به سانسکریت، ۳۰۶ عنوان به گنآدا، ۹۷۲ عنوان به گجراتی، ۵۹۵ عنوان به مالی، کم، ۱۵۱۴ عنوان به مراتی، ۲۶۳۳ عنوان به هندی و ۲۵۳ عنوان به زبانهای دیگر. در حدود ثلث کل

لوکنات بتاجاریا (LOKENATH BHATTACHARYA) شاعر و مقاله‌نویس بنگالی یکی از رؤسای پیشین شورای ملی کتاب هندوستان است. وی مؤلف کتاب و کتابخوانی در هند (از انتشارات یونسکو)، شعرهای منتشر لوکنات بتاجاریا (۱۹۷۲)، و طبله مرشد (۱۹۷۹) است.

این کتابها را می‌توانیم آثار ادبی بخوانیم (به استثنای انگلیسی که برای نوشتن داستان یا سرودن شعر کمتر مورد استفاده نویسندگان هندی قرار می‌گیرد). نکته قابل توجه دیگر این است که کمتر از ۷ درصد مردم هندوستان علاوه بر زبان مادری خود به زبان هندی دیگری سخن می‌گویند، هر چند که به علت پراکنده بودن مردم متکلم به زبانهای اصلی گوناگون در سراسر کشور، همه ایالتها و نواحی هند چند زبانه هستند.

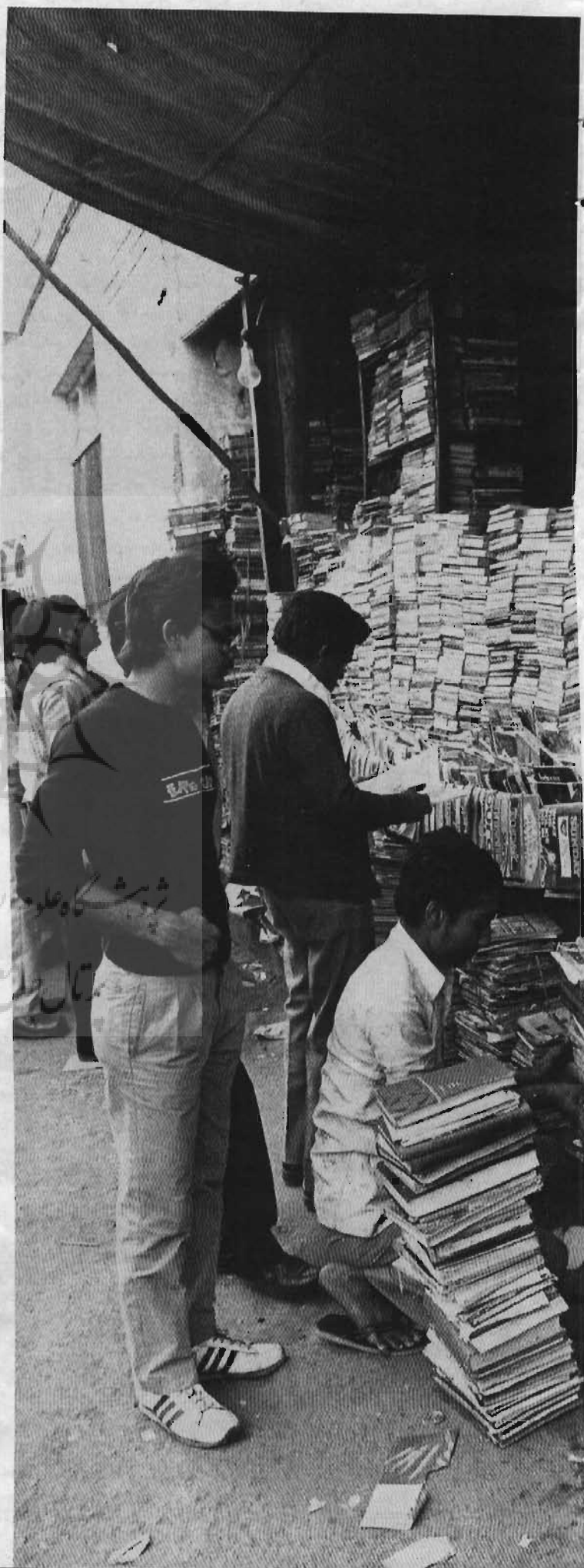
زبان هندی به این علت که تعداد بسیار انبوهی از مردمان هند به آن سخن می‌گویند زبان رسمی کشور اعلام شده و برای گسترش هر چه بیشتر آن و کار بردش در سطح کشور از هیچ کوششی فروگذار نمی‌شود. تعداد کتابهای چاپ شده به زبان هندی در هر سال، بعد از زبان انگلیسی مقام دوم را دارد.

تسلط بر زبان انگلیسی نه تنها رشد و غنای بیان زبانهای اصلی کشور را کند نساخته، بلکه به نحو مؤثری به این امر کمک کرده است. امروزه هندوستان از لحاظ تولید کتابهای انگلیسی زبان بعد از ایالات متحد آمریکا و بریتانیا مقام سوم را دارد.

عوامل اصلی حاکم بر فعالیتهای انتشاراتی در هر کشور عبارتند از نرخ باسواد، اندازه و ماهیت جمعیت تحصیل کرده، و سیاستها و برنامه‌های آموزشی آن، مخصوصاً از این لحاظ که تولید و فروش کتابهای درسی و مواد خواندنی کمک درسی به ویژه در کشورهای در حال رشد رکن اصلی کسب و کار نشر محسوب می‌شوند. در حالی که داشتن سواد به هیچ وجه مترادف با اعتیاد به خواندن نیست ولی رشد برنامه کتابخوانی به هیچ وجه بدون افزایش تعداد با سوادان میسر نخواهد بود.

بساط کتابفروشی در دهلی نو.

هروجینی دستی در چاپخانه روزنامه کراالاتایمز در شهر صنعتی ارناکولام در ایالت کراالا در جنوب غربی هندوستان. طبق تازه‌ترین (۱۹۸۷) چاپ سالنامه آماری یونسکو، در سال ۱۹۸۴ تعداد روزنامه‌های هند ۱۳۳۴ و سر جمع تیراژ آنها تقریباً ۱۵ میلیون نسخه بود.



آخرین سرشماری هندوستان که در سال ۱۹۸۱ انجام گرفته نرخ پاسوادی را در حدود ۳۷ درصد نشان می‌دهد که این رقم در مقایسه با ارقام سرشماری سال ۱۹۷۱ حاکی از ۷ درصد افزایش است. این افزایش البته به این معنی نیست که تعداد بیسوادان کشور در حد محسوسی کاهش پیدا کرده است. برعکس به علت افزایش قابل ملاحظه جمعیت طی همان دهه ۴۸ میلیون نفر به تعداد بیسوادان کشور افزوده شده است.

این امر تا حدی علت تناقضی را که ظاهراً در این مورد وجود دارد روشن می‌سازد. هر چند هندوستان یکی از کشورهای پیشرو در کار تولید کتاب محسوب می‌شود، ارقام سرانه انتشارات آن از حد میانگین جهانی بسیار پایین‌تر است. به همین ترتیب مصرف سالانه کتاب برای هر نفر در هند فقط ۳۲ صفحه است در حالی که همین رقم در کشورهای صنعتی پیشرفته به طور متوسط ۲۰۰۰ صفحه است. و اما تیراژ کتابها در هند نیز از حد متوسط بین‌المللی بسیار پایین‌تر است. تیراژ هر چاپ در زبانهای هندی به ندرت از ۱۰۰۰ نسخه تجاوز می‌کند، اما وضع کتابهای انگلیسی زبان اندکی بهتر است چون تیراژی بین ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ نسخه دارند.

با وجود این، با توجه به پیشرفت سالهای اخیر، مخصوصاً از زمان استقلال کشور به این طرف می‌توان نسبت به آینده طبع و نشر امیدوار بود.

امروز در حالی که شمار روز افزونی از چاپخانه‌ها حروفچینی دستی را کنار می‌گذارند و با استفاده از وسایل سطح بالا به حروفچینی به روشهای مکانیکی یا نوری می‌پردازند، می‌بینیم که صنعت چاپ هندوستان در آستانه یک دگرگونی کامل قرار دارد. مع‌هذا هنوز اکثریت قاطع ماشینهای چاپ دایر در هندوستان از نوع مسطح است و بقیه، ماشینهای افست‌ورقی، آنهم از نوع تک‌رنگ. هر چند بیشتر این ماشین آلات ساخت خارج هستند، هم اینک هند خود دست به تولید انواع وسیعی از ماشینهای چاپ از هر دو نوع مسطح و افست زده است.

اگر به یاد بیاوریم که اختراع تاریخساز گوتنبرگ که توسط یک مبلغ یسوعی در سال ۱۵۵۷ وارد هندوستان شد، در آن عصر گندی ارتباطات اندکی بیش از یکصد سال در راه بود، به احتمال زیاد تکنولوژیهای جدید چاپ در مدت زمانی بسیار کوتاه‌تر نه تنها در شهرهای بزرگ بلکه حتی در مناطق روستایی نیز رواج خواهند یافت. هم اکنون با شروع استفاده از کامپیوترهای شخصی و چاپگرهای لیزر، طبع و نشر «روی میزی» راه خود را در عرصه نشر می‌گشاید.

اضافه بر این، طبع و نشر به عنوان یک رشته درسی به برنامه چند دانشگاه هندی افزوده شده و در عین حال تسهیلات آموزش در حین کار برای ویراستاران و مستعدیان تولید نیز فراهم آمده است. مؤسسات حرفه‌ای گوناگونی در هر دو بخش عمومی و خصوصی، هر سال برای تشویق نویسندگان و بالا بردن کیفیت چاپ جوایز و مزایای مادی دیگری اعطا می‌کنند. نمایشگاههای کتاب در همه نواحی کشور برگزار می‌شوند و تعداد فزاینده‌ای از کتابها از یک زبان هندی به زبانی دیگر ترجمه می‌گردند. ■



مسافری در انتظار قطار در ایستگاه هورا در کلکته غرب خواندن کتاب است.



در چاپخانه جدیدی در فریدآباد در ۴۰ کیلومتری جنوب دهلی نسخه‌های یک مجله از ماشین چاپ بیرون می‌ریزند. طبق سالنامه آماری یونسکو، هندوستان در سال ۱۹۸۴ جمعاً ۳۸۸،۰۰۰ تن کاغذ روزنامه و کاغذ تحریر مصرف کرد که بیش از دو برابر رقم مشابه برای سال ۱۹۷۰ است